



سرزمین «سبا» کجا بود و مردمانش چه کسانی بودند؟

«سبا» واقعاً چگونه جایی بود؟ مردمش چطور زندگی می‌کردند؟

«سبا» واقعاً چگونه جایی بود؟ مردمش چطور زندگی می‌کردند؟ شهرهایشان چه شکلی بود؟ و مهم‌تر از همه، این پادشاهی اسرارآمیز دقیقاً کجا قرار داشت؟ آماده شوید برای سفری در دل مسیرهای باستانی تجارت، ویرانه‌های تاریخی و داستان‌هایی که هرگز در شب‌های مان مدفون نشده‌اند.

به گزارش ایسنا، فرادید نوشت: در مورد اینکه محل واقعی سرزمین اسرارآمیز سبا کجا بوده است، مدعیانی جدی وجود دارند. اما مورخان هنوز با اطمینان نمی‌توانند بگویند این پادشاهی طلایی که ملکه اش بلقیس نام داشت دقیقاً کجا بوده است. همین رازآلودگی، جست‌وجو برای یافتن شواهد تازه را جذاب‌تر می‌کند.

یکی از گزینه‌های محتمل، منطقه‌ای است که امروز یمن نامیده می‌شود؛ سرزمینی در جنوب عربستان. شهر باستانی مأرب، با کنیه‌هایی به زبان سبایی و ویرانه‌های سد عظیم مأرب، شاهدی عینی از تمدنی سازمان‌یافته است و گویی فریاد می‌زند که: «ما اینجا بودیم!» این سد نه تنها شاهکار مهندسی دوران خود بود، بلکه چنان عظمت و پیچیدگی داشت که حتی ساختارهای آبی رومی‌ها را ساده جلوه می‌داد. ساکنان سبا با کنترل مسیر تجارت بخور و مرّ در سراسر شبه جزیره عربستان، ثروتی افسانه‌ای اندوختند. این مسیر به نوعی جاده ابریشم خوش‌عطر دوران باستان بود.

ویرانه‌های تاریخی مأرب در یمن اما اگر فکر می‌کنید این شواهد یمن را به تنهایی به خانه‌ی اصلی ملکه بلقیس تبدیل می‌کند، اتیوپی به این سادگی عقب نمی‌نشیند. بر اساس داستان کبرا نگست، حماسه ملی اتیوپی، ملکه سبا همان بلقیس نیرومندی بود که برای آزمودن حکمت سلیمان به اورشلیم سفر کرد، فرزندی از او باردار شد (که منلیک اول نام گرفت) و سلسله‌ای سلیمانی را بنیان گذاشت که قرن‌ها بر اتیوپی حکمرانی کرد. مردم اتیوپی هنوز هم بلقیس را مادر حقیقی اتیوپی می‌دانند.

ماجرای به همین جا ختم نمی‌شود. برخی مورخان معتقدند که ارتباط‌های سبا ممکن است فراتر از اتیوپی، تا نیجریه هم امتداد داشته باشد. آیا ممکن است سبایی‌ها در آفریقای سیاه پایگاه‌هایی داشته‌اند یا بر آن تأثیر گذاشته باشند؟ شاید. اما تا این لحظه، شواهد باستان‌شناسی یا سنت‌های شفاهی مشخصی برای تأیید این نظریه در دست نیست.

سبا واقعاً کجا بود؟

اگر به شواهد باستان‌شناسی تکیه کنیم، یمن دست‌بالا را دارد. اما از سوی دیگر، اتیوپی از نظر فرهنگی برگ برنده‌ای دارد که نمی‌توان نادیده گرفت. شاید حقیقت این باشد که سبا هر دو جا بوده است؛ یعنی پادشاهی‌ای در دو سوی دریای سرخ که تجارت، قدرت و افسانه‌ها میان آن‌ها جریان داشتند.

واحه موسوم به حمام بلقیس در اتیوپی اگر سبا واقعاً همان پادشاهی چندبخشی‌ای بوده باشد که گمان می‌رود، احتمالاً در میان کوه‌های ناهموار و دره‌های آفتاب سوخته‌ای جای داشته که با وجود شرایط سخت کشاورزی، با نبوغ و زیرکی به یک قدرت تجاری بزرگ تبدیل شده بود. تاریخ نگاران سبا را سرزمینی می‌دانند که نه تنها در دل کویر دوام آورد، بلکه شکوفا شد و این شکوفایی مرهون ثروتی بود که از تجارت بخور و مرّ به دست می‌آمد. اما سبا واقعاً چه شکلی بود؟ برای یافتن پاسخ، باید به ترکیبی از باستان‌شناسی، متون کهن و کمی هوش تاریخی تکیه کنیم.

چهره واقعی سرزمین سبا

سرزمین سبا جایی شبیه به بهشت سرسبز نبوده بلکه بیشتر شاید شبیه طبیعت خشن استرالیا بوده باشد. بارش باران در جنوب عربستان بسیار کم بود، اما وقتی می‌بارید، ساکنان سبا آن را چون طلا گرامی می‌داشتند. سد معروف مأرب، یکی از شگفت‌انگیزترین سازه‌های مهندسی باستانی، همین آب اندک را به سوی مزارع پله‌پله‌ای در دامنه کوه‌ها هدایت می‌کرد. شواهد باستان‌شناسی نشان می‌دهد که سبایی‌ها احتمالاً گندم، جو، انگور و خرما کشت می‌کردند؛ محصولاتی که ستون اصلی تغذیه در دوران باستان بودند. با این حال، شرایط خشک و گرم منطقه باعث شده بود کشاورزی به تنهایی کافی نباشد و واردات نقشی کلیدی در بقای آن‌ها ایفا کند.

بازارهای سبا از کالاهای شگفت‌انگیزی مانند پاپیروس مصری، ادویه‌های هندی و شاید حتی عاج آفریقایی پر بود که این نشانه‌ای از تسلط آن‌ها بر مسیرهای تجارت و مدیریت هوشمندانه منابع بوده است. در مورد شهرهایشان، پژوهشگران معتقدند مراکز شهری سبا مانند مأرب و سیروه، دژهایی مستحکم و پرچرب وجوش بوده‌اند؛ پُر از بازرگانان، رهبران مذهبی و ساختارهای چندطبقه‌ی سنگی که در برابر آفتاب و باد، مقاوم و ماندگار طراحی شده بودند. در افق این شهرها، معابد خورشید و ماه، دو خدای اصلی آن‌ها، برجسته‌ترین سازه‌ها بودند. اینجا شهر خیمه‌های شنی نبود، بلکه کلان‌شهرهایی سنگی و استوار بود که از تدبیر و توانمندی سبایی‌ها حکایت داشت. در مقایسه با بیت المقدس نیمه گرمسیری و بارانی، سبا هم در ظاهر و هم در حس و حال، کاملاً متفاوت بود.

مردم سبا چه شکلی بودند؟

حالا که به شهرهای سبا پرداختیم، بد نیست بپرسیم: مردم این پادشاهی چه ظاهری داشتند؟ البته احتمالاً ما امروز بیش از مردم آن زمان به این مسئله اهمیت می‌دهیم. مردمان باستان بیشتر به تبار، فرهنگ و دین توجه داشتند تا رنگ پوست. اما برای پاسخ به این پرسش، باید نگاهی به جغرافیا، مسیرهای تجاری و دنیای باستانی سامی بیندازیم تا تصویر روشنی به دست آوریم.

مینیاتور ایرانی از لحظه برخورد ملکه سبا با هدهد (فرستاده حضرت سلیمان) اگر سبا همان طور که گفته شد در جنوب عربستان قرار داشته باشد، می‌توان انتظار داشت که مردمش هم بازتابی از همین

تنوع فرهنگی و نژادی بوده اند. در غرب، اتیوپیایی ها و نوبی ها با پوست های تیره زندگی می کردند که در هنر مصری نیز به خوبی ثبت شده اند. در شمال و شرق، ساکنان شبه جزیره عربستان قرار داشتند با طیفی از رنگ پوست قهوه ای که هنوز هم در میان ملت های سامی منطقه رایج است. و این ها جدا از سیل بازرگانان و مسافران و کاروان هایی است که در مسیرهای بخور و مرّ تردد می کردند و فرهنگ ها (و البته ژن ها) را با خود به سبا می آوردند.

بحث درباره ی «سیاه بودن» ملکه سبا و مردمش، عمدتاً به روایت اتیوپی بازمی گردد، جایی که ملکه بلقیس را نه فقط مادر سلسله شاهی، بلکه نماد هویت ملی می دانند. در این روایت، نسب ملکه به طور کامل آفریقایی و سیاه تلقی می شود. در سوی دیگر، پیوند سبا با عربستان، مردمش را به ملت های سامی خاورمیانه نزدیک می کند. با توجه به اشتراک زبانی و فرهنگی با تمدن هایی مانند کنعانی ها و آشوری ها، سیایی ها احتمالاً دارای چهره هایی با پوست قهوه ای و موی تیره بودند؛ ویژگی هایی که برای دوام آوردن زیر آفتاب سوزان نیز مفید بوده اند.

اما نکته مهم اینجاست: سبا یک جامعه بسته نبوده بلکه تجارت، ثروت، تأثیر فرهنگی و همچنین تنوع انسانی را به همراه داشت. به واسطه ی پیوندهای عمیق با آفریقا، عربستان و حتی هند، تنوع ژنتیکی در جمعیت سبا وجود داشته است. بنابراین، مردم سبا سیاه بودند؟ قهوه ای بودند؟ یا ترکیبی باشکوه از همه؟ به احتمال زیاد، پاسخ همه ی این هاست. در حالی که امروزی ها، چه پژوهشگر و چه علاقه مند تاریخ، تلاش می کنند تصویر دقیقی از ظاهر مردم سبا ارائه دهند، خود آن مردم احتمالاً آن قدر درگیر حمل مرّ و بخور در بیابان بوده اند که وقت چندانی برای چنین دغدغه هایی نداشته اند.

کاروان ملکه سبا

تصور کنید کاروان ملکه سبا در دل بیابان، در افق دوردست، زیر آفتاب سوزان چون سرابی درخشان کشیده شده است. اما این فقط یک سفر سلطنتی ساده نبود؛ بلکه نمایشی باشکوه از قدرت، یک کمپین تبلیغاتی حرفه ای و در عین حال یک چالش لجستیکی بزرگ برای همراهان او بود. ملکه سبا قرار نبود با یک صندوق لباس و امید به ایجاد اتحاد وارد بیت المقدس شود؛

کاروان او قرار بود پیامی واضح برای سلیمان نبی و مردمش داشته باشد: سبا را دست کم نگیرید. در قلب این کاروان شترهایی بودند بار زده با گنجینه های سرزمین سبا: طلا، سنگ های قیمتی، و ادویه های گران قیمتی چون بخور و مرّ. اما همراهان انسانی ملکه نیز به همان اندازه چشمگیر بودند: صف هایی از خادمان، مشاوران، و مدیران کاروان که با امور روزمره را سامان می دادند، یا مغز متفکر سیار ملکه بودند. از آنجا که سبا محل تلاقی فرهنگ های آفریقایی، عربی و حتی جنوب آسیا بود، این تنوع هم در چهره ی افراد و هم در لباس هایشان نمود داشت. احتمالاً گروهی از محافظان مسلح هم حضور داشتند؛ چرا که عبور از صدها کیلومتر بیابان با گنج هایی چنین نفیس، بدون حمایت نظامی ممکن نبود. درخشش زره و سلاح ها در آفتاب، چشمان هر بیننده ای را به خود جلب می کرد.

برخورد دو جهان

دو پادشاه نیرومند، مقابل هم، در تالارهای درخشان قصر سلیمان، همانند دو قهرمان سنگین وزن در میدان نبرد دیپلماتیک بودند! این صحنه به راحتی می توانست آغاز یک فیلم حماسی باشد. کتاب مقدس تصریح می کند که ملکه «برای آزمودن سلیمان با پرسش های سخت» به اورشلیم آمد (اول پادشاهان ۱۰:۱). یعنی او قرار نبود فقط با بام های زرین اورشلیم و ردای های ابریشمی مرعوب شود. سلیمان از آزمون های او سربلند بیرون آمد.

اما در زمینه باورهای دینی، فاصله میان دو فرهنگ کاملاً محسوس بود. سلیمان پادشاهی بود با خدایی یگانه، معبدی یکتا و حکومتی دریافت شده از خدا. اما بلقیس از سرزمینی آمده بود که خورشید را مقدس می دانستند و از خدایان و ارواح داشتند.

همراهان مذهبی او احتمالاً بخور می سوزاندند و نیایش هایی برای خدای خورشید می خواندند. در قرآن کریم نیز روایت این دیدار رنگ تازه ای می گیرد. سلیمان کف قصر خود را چنان صیقلی و شفاف کرده بود که ملکه آن را آب پنداشت و لباسش را بالا زد تا خیس نشود. سلیمان به او گفت: «این آب نیست، این شیشه است». این صحنه ی ساده، نمادی از خرد سلیمان است؛ نمایشی از حقیقت و کنار زدن توهم و دروغ.

ویرانه های معبد محرم بلقیس در یمن

ردپای تاریخی سبا

مجموعه ای از شواهد پراکنده و جذاب از پادشاهی سبا وجود دارد که ذهن تاریخ نگاران را هنوز هم به خود مشغول کرده است. مثلاً در حفاری های شهر باستانی مأرب یمن بقایای معبدی به نام مَحَرَم بلقیس یا معبد بلقیس کشف شده؛ معبدی که در سنت اسلامی، نامش به ملکه سبا نسبت داده شده است. شاید این فقط یک تصادف باشد، اما این شواهد احتمال وجود پادشاهی قدرتمند و ملکه ای شایسته ی اسطوره سازی را تقویت می کنند.

منابع تاریخی دیگر، از جمله نوشته های جغرافی دان یونانی استرابو نیز سرزمینی مملو از مرّ، بخور و کالاهای لوکس را توصیف می کنند؛ همان دارایی هایی که ملکه، بنا به روایت، با خود به اورشلیم برده بود.